

کتاب "چریک های فدایی خلق - از نخستین کنش ها تا بهمن ۱۳۵۷" را که توسط "موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی" انتشار یافته، با توجه خاصی خواندم: اول از این جهت که مرا به فضای دهه های ۴۰ و ۵۰ دوران جوانی و دانشجویی و پس از آن باز گرداند. حسن ضیا ظریفی را درصحن دانشکده حقوق دانشگاه تهران بیادم آورد که همیشه با لباس مرتب با همراهان همیشگی در گوشه ای مشغول بحث و گفتگو بود. تنها بعدها بود که دانستم اتوریته آشکار آن جوان آراسته در میان دانشجویان که به نظر ما سال اولی ها بخاطر ارشدیت او بود از چه نشأت می گرفت. این دورانی بود که دست یافتن به نظام سیاسی انسانی ترآزادتر و عادلانه تر با اتکا به مدل های آن سوی مرزها چه آسان به نظر می رسید. خواندن گزارش هرپیکارانقلابی و روایت هر درگیری و جان باختگی یا دستگیری هر یک از فدائیان مرا به فضای آن دوران می برد و ذهن خود را میکاویدم تا به یاد آورم در فلان تاریخ بخصوص چه می کردم، فلان خبر را در چه حالتی گرفتم و بازتاب این رویدادها بر من ودوستان همفکر چه بود. خواندن کتاب نیزمرور حزن آلودی بود از آن همه جان های ارزشمندی که در دو دهه در راه سرنگونی يك نظام سیاسی خود کامه به خاک افتاد تا رژیم خودکامه دیگری خشن تر و حق بجانب تر از نظام پیشین جایگزین آن شود.

هدف من از این مختصر بررسی درستی یا نادرستی اطلاعات ارائه شده در این کتاب نیست. چنین بررسی در توان کسانی است که بعنوان عضو یا هوادار فعال و نزدیک به جنبش چریکی آن دوران اطلاعات دقیق و صلاحیت لازم برای تشخیص سره از ناسره و تحلیل روایات این کتاب را دارند. ارزیابی سیاسی این جنبش نیز کاری است که دیگران از جمله معدود بازماندگان جنبش تا حدودی (هرچند نه بطور شایسته و بایسته) انجام داده اند. این مختصر صرفا عکس العمل يك خواننده است که با کتاب وتحقیق تاریخی و اتیکت تحقیق چندان بیگانه نیست و در دوران اوج مبارزات فدائیان در ایران زندگی کرده و مانند هزاران هزار عدالت جوی دیگر، بدون آنکه معتقد به جنبش مسلحانه باشد، با علاقه و اعجاب مبارزات چریکهای فدائی را دنبال میکرد.

اولین عکس العمل خواننده در مورد این کتاب این است که هدف از نوشتن آن چه بوده و آیا نویسندگان در این هزار صفحه تاریخ نگاری به هدف خود رسیده اند؟ پاسخ پرسش اول روشن تر و آسان تر است. باز نویسی مغرضانه رویدادهای سیاسی و روایات يك جانبه، خارج از متن تاریخی و تحریف ایده ها و کردارسیاسی و رفتار اخلاقی شخصیت های سیاسی ای که در خاطره جمعی حرمت ویژه ای دارند شیوه متداول حکومت های خودکامه و ابزارمطلوب دستگاه های امنیتی در کشورهای استبداد زده است. اهل کتاب اهداف تاریخ نگاری دولتی را خوب می شناسند وبهمین جهت تاریخ نگاری دولتی هیچگاه در رسیدن به هدف مورد نظرموفق نیست. چون ولو اطلاعات نو و پنهان مانده ای را رو کند یا يك سر دروغ و تحریف تلقی می شود و یا حد اقل با تردید وسوء ظن خواننده روبرو می شود. و از آنجا که اسناد ارائه شده در تاریخ نگاری فرمایشی بعنوان مرجع قابل استفاده محققین جدی قرار نمی گیرد، تاثیر ماندنی نیز ندارد.

کتاب «چریک های فدائی خلق» پرسش کلیدی دیگری را نیز مطرح میکند، اینکه آیا می توان برای شناخت و درک واقعیات تاریخی یا شناخت روحیات و اخلاقیات انقلابیون يك دوره به تاریخ نویسی ای اعتماد کرد که بر مبنای اوراق بازجویی زیر شکنجه، و یا با استفاده از کیفر خواست ها، گزارشات ماموران و جاسوسان مراکز اطلاعاتی و نظامی شاهنشاهی و اعترافات بازجوو شکنجه گر ساواک در دادگاه پس از انقلاب تنظیم شده؟ آیا می توان با استناد به مطالبی که بازجو شوندگان درباره همزمان خود در تشکیلات، تبعاً برای بی اهمیت جلوه دادن نقش افراد دستگیر شده گفته اند یا با تکیه بر جزئیات طولانی و بی اهمیتی که آنان برای گریز از افشای مطالب مهم و مورد علاقه بازجویان ذکر کرده اند، و یا اطلاعات به اصطلاح «سوخته» ای که پس از طی مدت توافق شده در زیر شکنجه بیان داشته اند، به تحلیل روانی و رفتاری چریک ها و نتیجه گیری های سیاسی پرداخت؟ و با آنکه نمی توان از نویسندگان دستگاه های امنیتی انتظار استفاده از روش تحقیق علمی و توجه به اخلاقیات و اتیکت تحقیق را داشت معزها حیرت آور است که در سرتاسر کتاب کوچکترین نشانه ای از تردید در درستی این اسناد برای تنظیم کنندگان این مجموعه به چشم نمی خورد.

کتاب «چریک های فدائی خلق»، کتاب موفقی نیست. هدف مشخص دستگاه امنیتی حکومت از انتشار چنین کتابی مقابله و ضدیت با چپ سوسیالیستی است که همیشه آنرا رقیب سرسختی برای خود دیده و حتی در شرائط کنونی که با تمام قوا چپ را سرکوب و پراکنده کرده، کماکان از آن وحشت دارد و به تصور خود با «افشاء» و تحقیر شخصیت ها و سازمانهای آن قصد دارد از نفوذ افکار ترقی خواهانه چپ در میان جوانان بکاهد. اما کتاب نه تنها به این هدف کمک نمی کند، که در واقع به ضد خود تبدیل می شود چون به جوانانی که در دوران حکومت اسلامی بزرگ شده و تنها ذکر مصیبت های شهدای اسلامی به آنها خورانده شده، توجه می دهد که جوانانی با اندیشه ها و ارزشهای چپ سکولر در راه آزادی این مملکت مبارزه کرده و در این راه کشته شده اند. با این حال کتاب ارزش خواندن دارد. اولاً همانطور که اشاره شد با آنکه هدف نویسندگان بی اعتبار کردن چریکها ی فدائی خلق، «انقلابیگری آنان از سر تفنن»، «آوانتوریسم فدائیان»، «عضو گیری عجولانه»، «عشق به سلاح و دست زدن آنان به خشونت» بوده، کتاب ناخواسته تصویر دیگری از چریکها (و کمونیست ها و سوسیالیست ها بطور عام) و از پی آمدهای ناگزیر حکومت استبدادی ارائه می دهد. خواننده جوانی که سانسور رژیم مانع از شناخت تاریخ کشورش شده، می بیند که چریک ها تقریباً همگی دانشجوی یا دانش آموخته دانشگاههای کشور در رشته های پزشکی، ریاضیات، مهندسی، حقوق، فلسفه و علوم و چند نفری شاگرد اول رشته های خود بوده اند (عباس مفتاحی، مصطفی شعاعیان، عبدالکریم حاجیان سه پله). او از خود می پرسد چرا این جوانان روشنفکرو تحصیل کرده برای آزادی میهن شان و بهبود شرائط مردم محروم دست به اسلحه برده اند؟ اوراق بازجویی ها و گزارشات تجسس و دستگیری مبارزان در این کتاب بوضوح نشان میدهد بسیاری از کسانی که بعداً به چریکها می پیوندند ابتدا درمبارزات صنفی دانشجویی و در هسته های مطالعاتی برای افزایش دانش سیاسی و تاریخی خود و آشنائی با استراتژی ملت های دیگر برای آزادی از بندهای استعمارو استثمار گرد هم می آمدند. بسیاری از آنان صرفاً بخاطر داشتن کتاب بازداشت می شوند. آنها آرمان گرایان اراده گرانی بودند که امید داشتند با فدا کردن جان خود بر نومیدی حاکم بر فضای سیاسی کشور غلبه کنند وحمايت تعداد نسبتاً قابل توجهی از جوانان را نیز در تهران، تبریز، مشهد، قزوین، شیراز، در شهرهای شمالی و لرستان... که در صفحات این کتاب منعکس است، بدست آوردند.

کتاب «چریک های فدائی خلق» را نمی توان سراسر دروغ دانست. بعضی از اطلاعات گردآوری شده ویا ابراز نظرها ی نویسندگان امنیتی صرفنظر از نیت آشکار آن ها عاری از حقیقت نیست. اما هرچند جنبه هائی از آن درست باشد از جمله آنکه چریک ها بی توجه به واقعیات زمانی و مکانی و با الگو برداری از جنبش های امریکای لاتین توهم سرنگون کردن يك رژیم قهار را از طریق مبارزه مسلحانه داشته اند، اما بی اعتباری مورخ امنیتی حتی این واقیعت را بی ارزش می کند. خلاصه آنکه کتاب بیشتر خواننده را به تامل درباره عوارض فاجعه بار حکومت های خود کامه فرا می خواند تا درستی یا نادرستی راه فدائی و اندیشه چپ. تبعاً چنین استنتاجی مورد

نظر نویسنده (گان) کتاب نبوده.

بهمین سبب کتاب بیانگر واقعیت مهم تری است: اینکه نادانی حکومت گران نسبت به نتایج مخرب خودکامگی تا چه حد برای بقای خودشان زیان بار است. اینکه حکومت استبدادی و خفقان سیاسی چه هزینه مرگباری برای يك ملت دارد، اینکه وقتی راه هر فعالیت اعتراضی قانونی و مسالمت آمیز مسدود باشد، وقتی يك حکومت حتی حق آنرا به افراد ندهد که چه نوع کتابی را بخوانند و صرف مطالعه کتابی که اوآنها غیرمجاز می داند جرم سیاسی و مستوجب مجازات باشد، وقتی مخالفت خصومت تلقی شود و برای مقابله با آزادی خواهان و مخالفین ازتهمت «در خدمت عناصر بیگانه» بودن و «توطئه برای بر هم زدن اساس حکومت» استفاده شود امکان مبارزه مسالمت آمیز از بین می رود، و واضح است که مسئولیت تشدید خشونت بر عهده رژیم استبدادی است. البته حکومت های خودکامه توان درس گرفتن ازتاریخ و آموختن از تجارب اسلاف خود را ندارند. روشنفکران اما توان با زنگری خطاها و دست آوردهای گذشته و آموختن از تاریخ را دارند.

نکته آخر اینکه حال که اسناد ساواک در باره سازمانها و احزاب سیاسی غیر خودی یکی پس از دیگری منتشر می شود، باید دید آیا نوبت افشای اسناد مربوط به سازمانها و شخصیت های مذهبی و روحانیون در قدرت نیز می رسد، و یا باید در انتظار رژیم بعدی بود تا این اسناد را (اگر آنها را بکلی نابود نکرده باشند) منتشر سازد!